

کتاب «بهشت کبوتر می‌خواهد» نوشته مونا اسکندری و تصویرگری فاطمه ملکی در ۲۴ صفحه و به بهای ۱۱۸ هزار تومان ویژه نوجوانان علاقه‌مند به رمان و موضوع دفاع‌مقدس از سوی انتشارات کتاب چمکران وارد بازار نشر شده‌است.

در این رمان با شخصیت به نام محمدحسن که پسر کیوترباز است همراه می‌شویم و به‌صورت غیرمستقیم با

روایتی از زندگی شهدای نوجوان

نظران حوزه تئاتر کودک بررسی شد

ق تئاتر کودک



مهدی فرشیدی سپهر در این خصوص می‌گوید: «به نظر می‌آید در این چهار دهه، عمق داستان‌ها، سطح زیبایی‌شناسی و محتویات روی صحنه‌های مان و ابعاد جامعه‌شناختی و بازیگری و لباس‌های مان، افول کرده‌است. یک نگاه تصویری به تاریخچه مربوط به کارمان بیندازید. خودتان کلاه‌تان را قاضی کنید. عقبرگرد و وارفتگی به‌وضوح دیده می‌شود. چرا؟ به گمانم به خاطر سال‌ها تشویق سازندگان تئاتر توسط مدیران و سطحی‌نگران، به جیغ و دست و هورا و لباس‌های گل‌گلی و پرداختن به موضوعات سفارشی

و توصیه‌ای، یا ورود بی‌رویه متن‌های خارجی که با حال و روز کودکان ایران همخوانی و هم‌زمانی ندارند. به دلیل ضعف در اقتباس هدفمند از آثار مهم ایران و جهان. به‌خاطر تلاش نویسندگان آموزش‌ندیده برای خلق داستان‌هایی که از پس خود نویسنده آنها را درک نکرده، به خروجی‌های پیچیده و غیرکاربردی منتهی شده‌اند. ثمره‌اش هم می‌شود این‌که کودک صرفاً بیاید با کلاه‌بوقی و لباس‌های رنگی بازیگران عرق کرده بعد از اجرا، عکس بگیرد و برود. اما تئاتر کودک در حقیقت این‌طور نیست؟

زندگی شهیدان نوجوان؛ شهیداسماعیل اکبری، شهیدجلیل شرفی و شهدای دبیرستان علویان آشنا می‌شویم و رشد فکری که این شهدا و اثرگذاری‌ای را که در شخصیت محمدحسن داشته‌اند، می‌بینیم. در بخشی از این کتاب آمده‌ است: وقتی چشم‌هایش را باز کرد، نفهمید چقدر زمان گذشته است. همه‌جا تاریک بود. بدنش یکپارچه خیس شده بود. فکر کرد خونریزی

می‌دانید کارگردانان و بازیگران و نویسندگان و طراحان این حوزه چندسال است‌که آموزشی‌ندیده‌اندومهارت‌های‌شان چند سال است به‌روزرسانی نشده؟ الان اگر میلیاردها تومان پول و سالن‌های زیاد و بزرگ هم به ما بدهند می‌خواهیم با آنها چه بسازیم؟ همین روال مرده را با دکور و لباس‌های گران‌تر ادامه بدهیم؟»

این سوال‌هایی‌شک‌روشنگرورزاییبی‌است‌که‌نیاز‌به‌ دیده‌شدن و تامل دارند. نتیجه‌اش شاید بشود آن چیزی که میثم یوسفی معتقد است: «تئاتر کودک‌ونوجوان نه برای مسئولان و نه برای هنرمندان مهم نیست، لا‌ذغدغه نیست.»

او از همکاران نابلد هم می‌گوید که به‌نظر دیگر باید از آنها به‌عنوان چشم‌اسفندپار این گونه نمایشی یاد کنیم. یوسفی می‌گوید: وقتی یک فرد کارنابلد که تخصص ندارد و فکر می‌کند وقتی یک موسیقی روی نمایش می‌گذارند تئاتر کودک یا موزیکال می‌شود، همه چیز غیراصولی و غیرکارشناسی می‌شود. وقتی سالن همایش‌های یک فرهنگسرا بدون توجه به نیاز کودک سالن تئاتر می‌شود، وقتی تخصصی‌ترین سالن‌های تئاتر کودک یعنی تالار هنر و کانون پرورش فکری که باید در بخش سخت‌افزاری با توجه به مخاطب طراحی شوند، تخصصی نیستند، نمی‌توان امیدوار بود کار به جلوبرود.

نیاز به متولی متعهد

تئاتر از بدو تولد و همان زمانی که برای خندانن کودک، پدر و مادر ادابازی می‌کنند به همراه اوست. او قبل از این‌که حرف زدن بیاموزد، یاد می‌گیرد چطور حرف‌هایش را با ایما و اشاره منتقل کند و پدر و مادر نیز می‌دانند چطور نقش‌شان را آن قدر خوب بازی کنند که دغدغه‌های لحظه به لحظه کودک در کمترین زمان برطرف شود. اما چه می‌شود که این گروه تئاتری به ناگاه وقتی در عرصه بزرگ‌تری وارد می‌شوند بازی را از یاد می‌برند؟

حسین فدایی‌حسین نبود یک متولی متخصص و متعهد را مهم‌ترین چالش می‌داند. او می‌گوید: مهم‌ترین مشکل تئاتر کودک در حال حاضر این است که متولی مشخصی ندارد، یعنی نهاد، ارگان یا مؤسسه‌ای که وظیفه خود بداند برای تئاتر کودک برنامه‌ریزی کند، شرایط را برای اجرا فراهم سازد و از گروه‌های تئاتری حمایت کند وجود ندارد. حتی اوضاع تئاتر کودک به حدی بد است که حتی در بین تئاتری‌ها هم جایگاه مشخصی ندارد.

او با تأکید بر این‌که تئاتر کودک تنها گونه تئاتری است که مشکل نبود مخاطب را ندارد و همیشه مخاطب دارد و کسانی هستند که مشتاق دیدن تئاتر هستند، به‌خاطر همین آنها هر نوع تئاتری که اجرا می‌شود را تماشا می‌کنند، اضافه کرد: مشکلی که در حوزه تئاتر به‌طور کلی وجود دارد این است که متولیان فرهنگ و هنر، تئاتر را مسأله تئاتری‌ها می‌دانند و این شاید بزرگ‌ترین مشکل باشد. هر موقع صحبت از تئاتر می‌کنیم به‌نظر می‌رسد تئاتر مسأله تئاتری‌هاست و آنها باید به فکرش باشند و اگر نهادی مثل مرکز هنرهای نمایشی برای متولی‌گری وجود دارد همه هم و غمش را برای حل مشکل تئاتری‌ها مثل بودجه، سالن، نظارت بر کیفیت و... گذاشته‌است و یک چیزی به نام نیاز جامعه به تئاتر را فراموش کرده‌اند. هیچ‌وقت به این توجه نشده که تئاتر یک نیاز را در جامعه فراهم می‌کند. تمام انرژی دولت یا سازمان‌های متولی تئاتر این است که مشکل تئاتری‌ها را حل‌کنندو به این فکر نمی‌شود که نیاز جامعه را بررسی کنند و بدانند نیاز جامعه به تئاتر چیست و تئاتر چه نیازی را از جامعه برطرف می‌کند و برای آن برنامه‌ریزی کنند.

مشهدی‌عباس نیز در این ارتباط می‌گوید: الان ما هیچ چیزی از تئاتر کودک و نوجوان روز دنیا کم نداریم، نمایش‌هایی

کرده، دست کشید به بدنش. جایی احساس درد نمی‌کرد. یاد تعریف بچه‌های مدرسه افتاد که می‌گفتند اگر کسی مجروح بشود، اولش درد ندارد. بدنش داغ است. با احتیاط بلند شد. خرده‌شیشه‌ها از سر و لباسش روی زمین می‌ریختند و صدا می‌کردند. سرش گیج می‌رفت و گوش‌هایش ویوزویز صدا می‌کردند. رفت سمت کلید برق زیرزمین؛ برق قطع شده بود....

در ایران تولید می‌شود که در فستیوال‌های خارجی برنده شده و صدایش هم درنمی‌آید، ما هنرمند داریم، سواد تولید هم داریم اما باید بی‌پذیریم نگاه فعلی به کودک و نوجوان مثال فردی است که با یک جادر مسافرتی به سفر می‌رود. او دیگر در هتل اتاق کرایه نمی‌کند. ما به کودک و نوجوان در حد جادر مسافرتی نگاه می‌کنیم. یادم می‌آید در کره جنوبی یک‌سری کلاس‌های زبان کره‌ای گذاشتند و پنج شش ترم زبان به بچه‌های ایرانی یاد می‌دادند. بعد از آن کره‌ای‌ها از بین این افراد یک‌سری نوجوان انتخاب کردند و گفتند شما و خانواده‌تان را کره می‌بریم و حمایت‌تان می‌کنیم. یکی از دوستان گفت کره پول دارد و استعدادها را جمع می‌کند. گفتیم این‌طور نیست آنها عقل‌شان کار می‌کند. یک ایرانی با این همه استعداد تبدیل به چیزی می‌شود که کره می‌خواهد؛ مرکز خلاقیت. این هزینه برای یک دولت هزینه زیادی نیست ولی آنها می‌دانند برای کودک و نوجوان‌شان سرمایه‌گذاری کنند. ما اگر چیزی به اسم تئاتر کودک داریم، فیلم و کتاب کودک داریم به دلیل دغدغه نویسندگان، کارگردانان و تولیدکنندگان محتواس‌ت. به علت حمایت دولت نیست و این بزرگ‌ترین لطمه به تئاتر است. حتی اگر شاهکار هم تولید می‌کنیم، وقتی وارد فضای اجرا می‌شود،

باید با یک حمایت، تبدیل به موفقیت شود. ولی چون حامی نداریم، دیده نمی‌شود. اگر هزینه‌ای که برای تبلیغات فیلم و سینما در بیلبوردهای شهرداری می‌کنیم در تئاتر کودک هم بشود، قول می‌دهم بیشتر از سه برابر تئاتر بزرگسال فروش خواهیم داشت.

آموزش، نیاز همیشگی

یکی دیگر از نکاتی که در گفت‌وگو با صاحب‌نظران تئاتر کودک و نوجوان به آن تأکید شد، موضوع آموزش است. آموزش از دو منظر مورد توجه آنها بود یکی آموزش به کودکان و دیگری آموزش به هنرمندان. از منظر این هنرمندان اولین گام برای آموزش، توجه و تأکید بر آموزش دانشگاهی است. موضوعی که مشهدی عباس به عنوان یک پروژه مورد تأکید از آن یاد می‌کند و می‌گوید: ما ۱۰ سال است با دانشگاه مذاکره

می‌کنیم که چرا رشته تئاتر کودک و نوجوان یا فیلم کودک و نوجوان نداریم؛ چون اگر این رشته‌ها آکادمیک نشود، آن قوت و پایه صورت نمی‌گیرد. در این مدت چه کسی قدم برداشته‌است؟

بازآموزی مداوم، موضوع دیگری است که نباید از آن غفلت کرد. پیشنهادی که مهدی فرشیدی سپهر تأکید زیادی بر آن دارد. او در این ارتباط می‌گوید: پیشنهاد برای خدوم و تک‌تک سازندگان نمایش برای کودکان و نوجوانان در سراسر ایران؛ آموزش است. آموختن، بازآموزی. آموزش دسته جمعی، خودمان در هر تجمع سنفی و خصوصی‌ای جمع شویم و به یکدیگر رشد بدهیم؛ بدون اجازه و با اجازه.



تئاتر

THEATER

چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۲ شماره ۶۶۰۳

در حوزه‌های اصلی مثل؛ مطلع شدن از جزئیات پیشینه هنری تولیدکنندگان قبل از ما، زیبایی‌شناسی در مفهوم کلی و در کار ما، جامعه‌شناسی، فنون داستان پردازی، بازیگری در معنای کارگردانی و بازیگری برای کودکان و نوجوانان، صحنه و لباس و چهره‌پردازی. اینها با قلب پاک و دعا و کتابچه چاپ کردن، فخش دادن و غیبت کردن و جشنواره و جیره‌موجب، مترقی نمی‌شوند. می‌شوند؟ امروز که جامعه‌مان از رشت تا کیش و از تبریز تا بلوچستان دچار دردها و زخم‌های خود‌ساخته شده و به وضوح کودکان و نوجوانان در مرکز این جبر و التهايات قرار دارند، مسئولیت ما چندین برابر ایام عادی است.

و بالاخره سومین آموزش، آموزش به کودکان برای شناخت راه درست زندگی کردن است. موضوعی که وقت آن فرارسیده‌است. میثم یوسفی در این باره آموزش تئاتر در مدارس را پیش می‌کشد و می‌گوید: سال‌هاست می‌گوییم رنگ تئاتر مدارس کجاست؟ همان‌طور که درس علوم و ریاضی و ورزش نیاز داریم، در فضای حرفه‌ای، جای تئاتر خالی است. وقتی در فضای آکادمیک مارشته تئاتر کودک و نوجوان وجود ندارد، در دل جامعه نیز وجود ندارد. تئاتر کودک به عنوان یک بخش خیلی تخصصی است، که مادران آن را

اما چرا نیاز است که به یک کودک تئاتر یاد بدهیم؟ مگر قرار است همه هنر نقش بازی‌کردن را بیاموزیم. این سؤال را از امیر مشهدی عباس می‌پرسم؛ ما قرا نیست بچه‌ها را تئاتری کنیم. آنها را کلاس بازیگری می‌گذاریم تا با مهارت‌های بازیگری آشنا شوند و در زندگی و فعالیت اجتماعی خود، آموخته‌هایش را به کار بگیرد. بچه‌ای که تئاتر، موسیقی و نقاشی می‌شناسد مسلماً اگر مهندس هم بشود در جامعه با شرایط مناسب‌تری با دیگران ارتباط برقرار می‌کند؛ چون هنر فکر را فعال و خلاقیت ایجاد می‌کند. تبعات زندگی هنری، آینده‌ای روشن و مترقی‌است. بی‌شک درد تئاتر کودک و نوجوان آن قدر ناعلاج نیست که بگوییم درمانی نمی‌توان برای آن یافت؛ اما باید بی‌پذیریم صعب‌العلاج است. باید مراقب بود و هرچه سریع‌تر راهکاری

مناسب و نقشه راهی کم نقص برای تئاتر کودک و نوجوان پیدا کرد وگرنه همان‌گونه که حسین فدایی حسین عنوان می‌کند، این راه که می‌رویم به ترکستان است. او می‌گوید: تئاتر به دلیل ویژگی‌هایی که دارد مثل نزدیکی با مخاطب و تجربه زنده‌ای که روی مخاطب می‌گذارد، می‌تواند تاثیرگذارترین گونه هنری بر مخاطب باشد. این مشکلات نشان می‌دهد گرچه شعار می‌دهیم اما هیچ برنامه‌ای برای آینده نداریم و همه را رها کرده‌ایم. هم بچه‌ها، هم خانواده‌ها و هم تئاتری‌ها. هرکدام در جزیره تنهایی خودشان پرسه می‌زنند و با این روند آینده روشنی را نمی‌توانیم رقم بزنیم.



کاریکاتور شجاعی طباطبایی از سقوط

سیدمسعود شجاعی طباطبایی کاریکاتوریست و چهره برتر هنر انقلاب که پیشینه خوبی در واکنش سریع به اتفاق‌ها و حوادث دارد و تاکنون مسابقات بین‌المللی زیادی با موضوع فلسطین ازجمله «مسابقه بین‌المللی کارتون، کاریکاتور و پوستر فلسطین تنها نیست» برگزار کرده است، همراه با دیگر هنرمندان، اثری در حمایت از عملیات «طوفان الاقصی» منتشر کرد.

او در این اثر که محق حقارت صهیونیسم در برابر جوانان غیور فلسطینی را نشان می‌دهد، سرباز اسرائیلی را به تصویر کشیده است که از ترس مواجهه با نیروهای حماس، قمد خودکشی دارد.

اکران رایگان ۴ اثر با موضوع فلسطین

«خانه مستند» چهار اثر از تولیدات یک دهه اخیر خود با موضوع فلسطین را در سایت این مجموعه به رایگان اکران کرد. خانه مستند، به بهانه عملیات طوفان‌الاقصی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و به‌منظور آگاهی بیشتر مخاطبان از

چرایی اتفاقات اخیر، این مجموعه مستندهای «سهی»، «پوریم»، «روای باگشت» و «در جست‌وجوی وطن شرقی» را اکران کرد.

در خلاصه داستان سهی آمده است: سهی دختر معلولی اهل فلسطین است که این معلولیت و مشکلات مالی نتوانسته مانع جنگیدن او برای ادامه زندگی شود. مستند پوریم ریشه‌های جشن پوریم را بررسی کرده است. روایی باگشت نیز به بررسی نقشه‌های رژیم صهیونیستی برای یهودی‌سازی قدس می‌پردازد. در جست‌وجوی وطن شرقی دیگر تولید خانه مستند است که به بررسی زندگی و اندیشه‌های «ادوارد سدید» متفکر فلسطینی‌الاصحیحی پرداخته است. مستند پوریم علاقه‌مندان برای تماشای رایگان این مستندها می‌توانند به سایت «خانه مستند» به نشانی <https://khanemostanad.ir> مراجعه کنند.

تصویب طرح پیشنهادی حائل تئاترشهر

طرح حائل مجموعه تئاترشهر که توسط سروناز امتیازی طراحی شده، پس از پیگیری مستمر در شش ماه اول سال ۱۴۰۲ به تصویب وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی رسید. این طرح برگرفته از معماری تئاتر شهر و با استفاده از نشانه‌ها و عناصر معماری ایرانی طراحی شده است که حاصل کار یک تیم چند نفره مهندسی معمار به سرپرستی سروناز امتیازی بوده است. اجرای طرح با توجه به توافق‌های انجام شده میان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد مهدی اسماعیلی و شهردار کلانشهر تهران، علیرضا زاکانی برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری شهرداری تهران قرار گرفت که براساس دستور مقام وزارت، بودجه اجرایی این طرح در قالب طرح تشریفات قابل اجراست. بنابراین اجرایی‌شدن طرح مذکور نیازمند تخصیص بودجه از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است تا ساماندهی فضای پیرامونی این مجموعه ارزشمند و نفیس فرهنگی که نماد فرهنگ و هنر نمایش کشور است، هرچه سریع‌تر وارد فاز عملیاتی شود.

